

شکاف میان نسل جدید و نظام‌های آموزشی در لندن و پاریس بالا گرفته‌است

آشوب‌بین‌نسلی «مشق» در فرانسه و انگلیس

دانش‌آموزان سراسر فرانسه از کمبود منابع و نابرابری فرصت‌ها، شلوغی کلاس‌ها و فرسوده بودن مدارس آشوب کرده‌اند. در انگلستان معلمان و مدیران از فشار نظام ارزیابی و ضرورت توجه به تفاوت‌های اجتماعی مدارس هشدار می‌دهند. این‌ها را می‌توان آشوب «مشق» نامید، مشق هم در معنای تکلیف درسی و هم در معنای سختی روزگار که نسل جدید زیربار آن نمی‌رود

گاه‌ا از نقاط مختلف جهان، دانش‌آموزان و حتی معلمان، از نظام آموزش کشور خود گلایه می‌کنند. منتقدان هم می‌گویند که بخش‌هایی از نظام‌های آموزشی همچنان با معیارها و روش‌هایی اداره می‌شوند که به‌طور کامل با تغییرات اجتماعی و نیازهای نسل جدید هماهنگ نیستند. به تازگی در فرانسه، هزاران دانش‌آموز در اعتراض به کمبود معلم، فرسودگی مدارس و نابرابری آموزشی به خیابان‌ها آمده‌اند، و در انگلستان، فشار نظام ارزیابی مدارس بر سلامت روان معلمان و بی‌توجهی به تفاوت‌های اجتماعی مدارس، دولت را به بازنگری دوباره در نظام بازرسی واداشته‌است، این دو رویداد اخیر نشان از یک چالش جهانی در آموزش دارد، و فاصله میان ساختارهای تصمیم‌گیری و نسلی که بیش از گذشته در باره عدالت آموزشی، فرصت برابر و حق شنیده‌شدن خود مطالبه‌گر شده‌ه را به دنیا نشان داده‌است.

■ **اعتراض دانش‌آموزی در فرانسه**

اعتراضات دانش‌آموزی در فرانسه که ابتدا از دبیرستان‌های مناطق محروم حومه پاریس آغاز شد، اکنون به یکی از جدی‌ترین چالش‌های آموزشی این کشور در سال‌های اخیر تبدیل شده‌است. دانش‌آموزان معترض، مشکلاتی مانند کمبود معلم، فرسودگی ساختمان‌های مدارس، کلاس‌های شلوغ و شرایط نامناسب آموزشی را دلیل حضور خود در خیابان‌ها اعلام کرده‌اند. مسائلی که به گفته آنها، بیش از همه دانش‌آموزان مناطق کپر خوردار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دامنه این اعتراضات به صدها مدرسه در سراسر فرانسه رسیده است. وزارت آموزش فرانسه اعلام کرده که در جریان این اعتراضات، از میان حدود ۳۷۰۰ دبیرستان این کشور، بیش از هزار دبیرستان تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. هم‌زمان، برخی تجمع‌ات با درگیری میان معترضان و نیروهای پلیس همراه شده و مقام‌های فرانسوی از بازداشت هزاران نفر در جریان این ناآرامی‌ها خبر داده‌اند.

فراژ از مسائل فوری مانند کمبودمعلم‌وضیعت‌ساختمان مدارس، یکی از محورهای اصلی اعتراض‌ها، نگرانی درباره نابرابری فرصت‌های آموزشی میان مناطق مختلف فرانسه است.

در دبیرستان «لیسه لو گروپو»به در اوپرویل، در شمال پاریس، دانش‌آموزان می‌گویند مدارس مناطق فقیرنشین با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند. مانینا، دانش‌اموز ۱۷ ساله‌ای که قصد دارد در آینده معلم زبان انگلیسی شود، در توضیح شرایط مدرسه خود گفته که سال گذشته بدون داشتن معلم زبان فرانسه در از م‌وزن این درس شرکت کرده‌است.او همچنین گفته که حضور معلم تأثیری

مستقیمی بر موفقیت دانش‌آموزان دارد و چنین شرایطی محیط مناسبی برای یادگیری ایجاد نمی‌کند.

یکی دیگر از محورهای اصلی اعتراضات، تفاوت میان شرایط آموزشی مناطق مختلف فرانسه است. املیا، دانش‌آموز ۱۵ ساله‌ای که در این تجمعات شرکت کرده، با اشاره به وضعیت مدارس مناطق محروم گفته که دانش‌آموزان این مناطق خواهان همان فرصت‌هایی هستند که دیگر دانش‌آموزان کشور از آن برخوردارند. روی پلاکاردی که او در دست داشت، نوشته شده‌بود: «بناید نشانی خاتمه ما را تعیین کند». شکاری که البته یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده از سوی معترضان را بازتاب می‌دهد، اینکه شرایط اجتماعی و اقتصادی محل زندگی نباید فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان را تعیین کند. اولیس رایانه، پژوهشگر علوم سیاسی دانشگاه پاریس ۸، معتقد است این اعتراضات نشان می‌دهد مناطق به‌حاشیه‌رانده‌شده فرانسه بیش از گذشته در حال اثر گذاری بر سیاست عمومی هستند. او اظهار داشته که وقتی خدمات عمومی و آموزش عمومی تضعیف می‌شوند، گروه‌هایی که از نظر اقتصادی آسیب‌پذیرترند، بیشترین

دانش‌آموزان ایرانی در آوردگاه رباتیک آسیا-اقیانوسیه ۲۰۲۴ در چندین لیگ رقابتی، بار دیگر نسام ایران را در صدر رباتیک دانش‌آموزی قاره ثبت کردند، مسابقات رباتیک آسیا-اقیانوسیه ۲۰۲۶ به میزبانی مالزی، برای تیم دانش‌آموزی ایران با یک دستاورد بزرگ به پایان رسید، جایی که نمایندگان کشورمان با کسب عناوین نخست،

دوم و سوم در بخش‌های گروهی ساخت ربات در لیگ Prototype، قهرمانی بخش تیمی این رقابت‌ها را از آن خود کردند. تیم رباتیک دانش‌آموزی ایران در بخش اصلی این رقابت‌ها، یعنی لیگ پروتوتایپ چلنج، توانست با عبور از سد رقابتی‌ای قدرتمند از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، مالزی، عربستان سعودی، هنگ کنگ و چین، جایگاه نخست را به دست آورد و پرچم ایران را بر فراز این رقابت‌ها به اهتزاز در آورد. تیم‌های کره جنوبی و مالزی نیز به ترتیب عناوین دوم و سوم این مسابقات را کسب کردند.

فشار احساس می‌کنند.

■ **زخمی قدیمی در قلب نظام آموزشی فرانسه**

یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این اعتراضات، کمبود نیروی آموزشی عنوان شده. دانش‌آموزان، والدین و معلمان می‌گویند نبود معلم باعث لغو کلاس‌ها و کاهش فرصت‌های یادگیری شده‌است.

در استان سن-سن-دونی، یکی از مناطق محروم اطراف پاریس، اتحادیه‌های آموزشی اعلام کرده‌اند که شمار قابل‌توجهی از دانش‌آموزان با کمبود معلم مواجه هستند. برخی والدین نیز گفته‌اند از آغاز سال تحصیلی، کلاس‌هایی مانند ریاضی، زبان انگلیسی، علوم انسانی و ورزش به دلیل نبود نیروی آموزشی کافی برقرار نشده‌است.

معلمان و کارکنان آموزشی علاوه بر کمبود معلم، به نبود نیروهای حمایتی مانند پرستار مدرسه و مددکار اجتماعی نیز اعتراض دارند. آنان معتقدند مشکلات دانش‌آموزان تنها با تدریس در کلاس حل نمی‌شود و مدارس به مجموعه‌ای از خدمات حمایتی نیاز دارند، به‌ویژه در مناطقی که خانواده‌ها با مشکلات اقتصادی و اجتماعی بیشتری روبه‌رو هستند.

■ **اختلاف بر سر اولویت‌ها**

اما اعتراضات دانش‌آموزی در زمانی رخ داده که دولت فرانسه در گیر بحث درباره بودجه سال آینده است. دولت اعلام کرده بودجه آموزش در سال آینده افزایش خواهد یافت، اما منتقدان می‌گویند این افزایش کمتر از نرخ تورم است و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای واقعی مدارس باشد. وزارت آموزش فرانسه اعلام کرده که آموزش همچنان یکی از اولویت‌های دولت است و کاهش رشد بودجه به دلیل کاهش جمعیت دانش‌آموزی بوده‌است. با این حال، هزینه آموزش در سطح میانی قرار دارد، متوسط هزینه نحوه توزیع منابع میان مناطق مختلف نیز اهمیت دارد. بر اساس آمار وزارت آموزش فرانسه، اگرچه این کشور در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از نظر اولیس رایانه، پژوهشگر علوم سیاسی دانشگاه پاریس ۸، معتقد است این اعتراضات نشان می‌دهد مناطق به‌حاشیه‌رانده‌شده فرانسه بیش از گذشته در حال اثر گذاری بر سیاست عمومی هستند. او اظهار داشته که وقتی خدمات عمومی و آموزش عمومی تضعیف می‌شوند، گروه‌هایی که از نظر اقتصادی آسیب‌پذیرترند، بیشترین

نسل جدیدی که خواهان تعریف تازه‌ای از آموزش است

و
اعتراضات فرانسه در کنار بحث‌های اخیر درباره اصلاح نظام بازرسی مدارس در انگلستان، تصویری گسترده‌تر از

چالش‌های آموزش در اروپا ارائه می‌دهد.

در فرانسه، دانش‌آموزان درباره کمبود منابع و نابرابری فرصت‌ها اعتراض می‌کنند. در انگلستان نیز، معلمان و مدیران درباره فشار نظام ارزیابی و ضرورت توجه به تفاوت‌های اجتماعی مدارس هشدار می‌دهند.

هر چند مسئله در کشور انگلستان نه با اعتراض خیابانی دانش‌آموزان، بلکه با انتقاد فزاینده مدیران مدارس و معلمان از شیوه ارزیابی مدارس مطرح شده‌است، اما این انتقادات نیز نظام آموزشی قدیمی و فرسوده‌ای را نشان می‌دهد که پاسخگوی نیاز امروز جامعه نیست.

روزنامه گاردین در گزارشی در تاریخ ۱۲اکتبر ۲۰۲۶ نوشت که نظام بازرسی مدارس انگلستان، موسوم به Ofsted، قرار است برای دومین بار در کمتر از یک سال مورد بازنگری قرار گیرد. این تصمیم پس از افزایش نگرانی‌ها درباره فشار روانی ناشی از فرآیندهای ارزیابی بر مدیران و کارکنان مدارس و همچنین بحث درباره میزان عادلانه بودن این شیوه سنجش اتخاذ شده‌است. بر اساس این گزارش، لوسی پاول، وزیر آموزش بریتانیا، از Ofsted خواسته‌است چارچوب ارزیابی مدارس را دوباره بررسی کند تا شرایط اجتماعی و اقتصادی هر مدرسه در قضاوت درباره عملکرد آن نقش بیشتری داشته باشد.

منتقدان معتقدند مدارس در مناطق محروم با مدرسی که با تعداد بیشتری از دانش‌آموزان دارای نیازهای آموزشی ویژه روبه‌رو هستند، شرایط متفاوتی دارند و ارزیابی آنها بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها ممکن است تصویر کلملی از عملکرد واقعی مدرسه ارائه ندهد. یکی از محورهای اصلی این انتقادها، تأثیر نظام ارزیابی بر سلامت روان مدیران و معلمان است. گاردین در این رابطه به نتایج یک نظرسنجی از اعضای اتحادیه ملی آموزش (NEU) اشاره کرده که در آن، سه‌چهارم پاسخ‌دهندگان گفته‌اند بازرسی‌های مدارس تأثیر منفی بر سلامت روان آنها



داشته‌است. در واقع نظام جدید ارزیابی Ofsted با هدف ارائه تصویری دقیق‌تر از عملکرد مدارس طراحی شده‌بود، اما پس از اجرا با انتقادهایی از سوی بخشی از مدیران و معلمان روبه‌رو شد.

حال اتحادیه‌های مدیران مدارس از بازنگری در این نظام استقبال کرده‌اند و می‌گویند که یک نظام بازرسی مؤثر باید ضمن حفظ استانداردهای آموزشی، شرایط واقعی فعالیت مدارس را نیز در نظر بگیرد.

■ **فاصله میان اهداف رسمی آموزش و دنیای واقعی دانش‌آموز**

اما چرا نظام‌های آموزشی در جای جای جهان نتوانسته‌اند خود را با تغییرات نسلی هماهنگ کنند؟ دکتر آزاد محمدي، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، معتقد است: «گاه در نظام تعلیم و تربیت، فاصله میان آرمان‌ها و اهدافی که مسئولان نظام آموزشی دنبال می‌کنند با ویژگی‌های واقعی دانش‌آموزان دچار نوعی تعارض می‌شود.» به گفته این استاد دانشگاه، این فاصله در شرایط امروز به دلیل گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیچیده‌تر شده، چراکه دانش‌آموزان دیگر تنها از طریق مدرسه، خاتمه می‌دهند و معلم با جهان بیرون ارتباط ندارد. محمدي توضیح می‌دهد: «در دنیای ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، مواجهه کودکان و نوجوانان با سبک‌های مختلف زندگی، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری بسیار گسترده و مستقیم شده‌است. این محرک‌های شناختی و عاطفی، نیازمند قدرت تحلیل و داوری بالایی هستند و طبیعی است که گاهی میان آنچه نظام آموزشی دنبال می‌کند و آنچه دانش‌آموز در جهان پیرامون خود تجربه می‌کند، فاصله ایجاد شود.»

او بر این باور است که کاهش نقش انحصاری مدرسه و معلم به‌عنوان تنها منبع شناخت و الگو، یکی از تغییرات مهم عصر جدید است. محمدي می‌گوید: «در دنیای امروز، دانش‌آموزان با حجم بی‌سابقه‌ای از اطلاعات مواجه می‌شوند. این امر نیازمند تغییر در روش‌های یادگیری و انتقال دانش است. ما باید از روش‌های سنتزی که تنها بر انتقالِ یک‌طرفهٔ دانش متمرکز بوده‌اند، عبور کنیم و به سمتی حرکت کنیم که دانش‌آموزان را قادر سازد تا بتوانند با حجم عظیمِ اطلاعاتِ در دسترس خود، مهارت‌های تفکر انتقادی، حل‌مسئله و همکاری را بیاموزند.»

در حالی که در ایران، با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در بخش‌های مختلف، همچنان چالش‌هایی در زمینه آموزش وجود دارد. به عنوان مثال، در مناطق محروم، کمبود معلمان و فرسودگی مدارس، چالش‌هایی است که نیازمند توجه جدی است. همچنین، فشار نظام ارزیابی مدارس، که به عنوان «مشق» نامیده می‌شود، به دلیل تأثیر منفی بر سلامت روان معلمان و مدیران، مورد انتقاد قرار گرفته است. در حالی که در انگلستان، فشار نظام ارزیابی مدارس، به دلیل تأثیر منفی بر سلامت روان معلمان و مدیران، مورد انتقاد قرار گرفته است.

گزارش «جوان» از موفقیت رباتیک دانش‌آموزی کشور با چاشنی خلاقیت و کار تیمی

ایران صدرنشین رباتیک دانش‌آموزی آسیا



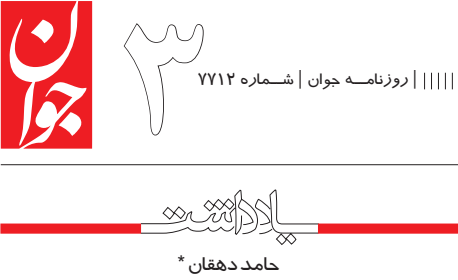
■ **جایی که خلاقیت حرف اول را می‌زند**

نادر نوخت، سرپرست تیم رباتیک دانش‌آموزی ایران، درباره جزئیات مسابقات بر گزار شده و کسب موفقیت این تیم به «جوان» می‌گوید: «تیم ۳۵ نفره دانش‌آموزی ایران در این دوره از مسابقات آسیا واقیانوسیه توانست در بخش اصلی رقابت‌ها، یعنی پروتوتایپ چلنج، به مقام قهرمانی برسد. ویژگی مهم این بخش آن است که دانش‌آموزان در محل مسابقه و بدون آمادگی قبلی، باید اقدام به طراحی و ساخت نمونه‌های اولیه ربات کنند و با تکیه بر خلاقیت، دانش فنی و کار گروهی، چالش‌های تعریف‌شده را پشت سر بگذرانند.»

او ادامه می‌دهد: «دانش‌آموزان ما در مسابقات مالزی دو نفره وارد رقابت شدند و در مراحل مختلف طراحی، ساخت و عملکرد ربات‌ها توانستند نتایج بسیار خوبی کسب کنند. در نهایت نیز در مهم‌ترین لیگ این مسابقات، یعنی پروتوتایپ چلنج، عنوان قهرمانی را به

جامعه

سرویس اجتماعی، ۶۰۰۸۸۵۲۳



حامد دهقان *

پول برای انتقال وکلا: «کمک بلاعوض» یا شرطی که نباید وجود داشته باشد؟

پاسخ‌های متعدد کانون‌های وکلای دادگستری به یک پرسش ساده، یک مطالبه روشن را پیش روی نهاد وکالت قرار داده‌است، اگر انتقال وکیل مشروط به پرداخت وجه نیست، مبنای دریافت این وجوه در فرآیند انتقال چیست؟

تقریباً همه کانون‌های پاسخ‌دهنده بر یک نکته تأکید کرده‌اند: «هزینه‌ای بابت نقل و انتقال مقرر نشده‌است»، اما همزمان از «کمک»، «هدیه»، «همیاری» و «مساعتد» متقاضیان انتقال سخن گفته‌اند؛ موضوعی که ضرورت شفاف‌سازی کامل را دوجندان می‌کند. ماجرا از یک سؤال ساده آغاز شد: آیا اگر وکیلی از پرداخت وجه خودداری کند، در خواست نقل و انتقال او رد می‌شود؟ پاسخ‌های رسمی شماری از کانون‌های وکلای دادگستری نشان می‌دهد که تقریباً هیچ‌یک وجود مصوبه‌ای مبنی بر «الزام» پرداخت وجه برای انتقال را تأیید نکرده‌اند. با این حال، در برخی پاسخ‌ها از پرداخت مبالغی تحت عنوانی همچون «کمک بلاعوض»، «هدیه»، «همیاری» و «مساعتد» سخن گفته شده و حتی تصریح شده است که این پرداخت‌ها در مفاهیمی از جمله هنگام درخواست انتقالی بیشتر صورت می‌گیرد. همین دوگانگی، پرسش‌های جدی درباره مبنای حقوقی، نحوه مطالبه و رابطه واقعی این پرداخت‌ها با فرآیند انتقال ایجاد می‌کند.

اصل ماجرا روشن است؛ اگر پرداخت وجه، شرط انتقال نیست، نباید هیچ رابطه‌ای میان پرداخت وجه و موافقت با انتقال وجود داشته باشد. نه مستقیم، نه غیرمستقیم و نه از طریق ایجاد انتظار، عرف اداری یا توصیه به «همیاری».

کانون‌های اردبیل، گلستان، اصفهان، کرمان، سمنان، زنجان، یزد، چهارمحال و بختیاری، مر کزی، بوشهر، گیلان و همدان، هر کدام با ادبیاتی متفاوت، در پاسخ‌های خود بر نبود هزینه یا الزام قانونی برای انتقال تأکید کرده‌اند. کانون وکلای یزد نیز صراحتاً اعلام کرده است که «هیچ‌گونه مصوبه‌ای مبنی بر مشروط بودن انتقال وکلا به پرداخت وجه» به تصویب هیئت‌مدیره نرسیده است.

اما در مقابل، در برخی پاسخ‌ها عباراتی وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آنها گذشت.

کانون وکلای چهارمحال و بختیاری اعلام کرده است که همکاران در قالب «هدیه یا کمک به کانون» وجوهی پرداخت می‌کنند و معمولاً در مواقعی مانند درخواست انتقالی این کمک‌ها بیشتر صورت می‌گیرد. کانون وکلای مر کزی نیز ضمن تأکید بر اینکه پرداخت وجه اجباری نیست، از پرداخت هدایا و کمک‌ها توسط برخی متقاضیان انتقال سخن گفته‌است.

کانون وکلای گلستان نیز پرداخت‌های افراد را ناشی از «اراده متقاضی جهت همیاری با کانون» دانسته و کانون کرمان تصریح کرده که وجوه پرداختی، در اسناد، تحت عنوان «کمک بلاعوض» درج شده و ارتباطی با انتقال ندارد.

در این میان یک پرسش اساسی مطرح می‌شود: اگر این وجوه هیچ ارتباطی با انتقال ندارند، چرا در پاسخ‌های رسمی چندین کانون، موضوع پرداخت کمک یا هدیه دقیقاً در کنار فرآیند انتقال مطرح شده‌است؟

مسئله صرفاً عنوان پرداخت نیست؛ ماهیت واقعی رابطه میان پرداخت و تصمیم‌اداری اهمیت دارد.

«هزینه انتقال» اگر وجود ندارد، نباید با تغییر عنوان به «کمک بلاعوض»، «هدیه» یا «همیاری» به فرآیندی تبدیل شود که متقاضی احساس کند برای پیشبرد درخواست خود باید مبلغی بپردازد. استقلال مالی کانون‌های وکلا حتی با فرض استناد به ماده ۱۵۷ آیین‌نامه اجرائی، به معنای اختیار نامحدود برای مطالبه هر نوع وجه از اعضا نیست. هر دریافت مالی باید دارای مبنای قانونی یا مقرراتی روشن، عنوان مشخص، شیوه وصول شفاف، ثبت مالی قابل رسیدگی و عدم ارتباط با اعمال صلاحیت اداری کانون باشد.

از سوی دیگر، اگر هیئت‌مدیره بر اساس شرایط قانونی و مقررات داخلی دربار انتقال تصمیم می‌گیرد، معیارهای تصمیم‌گیری نیز باید برای متقاضیان روشن و قابل دسترسی باشد؛ نه اینکه در کنار معیارهای رسمی، «کمک به کانون» به‌صورت عرفی یا غیررسمی در فرآیند انتقال مطرح شود.

نکته قابل تأمل دیگر این است که برخی کانون‌ها اساساً اصل سؤال را «تأدرست» یا «خلاف واقع» دانسته‌اند. اگر چنین است، پاسخ روشن و قابل سنجش آن بسیار ساده است:

مصوبه مربوط به شرایط انتقال چیست؟

آیا در هیچ مرحله‌ای از فرآیند انتقال، پرداخت وجه مطالبه یا توصیه می‌شود؟

چه مبلغی تحت عنوان کمک یا هدیه دریافت می‌شود؟

آیا پرداخت‌کنندگان و مبالغ پرداختی در حساب‌های رسمی کانون ثبت می‌شود؟

و مهم‌تر از همه، آیا سابقه‌ای وجود دارد که درخواست انتقال فردی بدون پرداخت وجه نیز با همان شرایط و بدون تبعیض بررسی و پذیرفته شده باشد؟

اینها پرسش‌هایی است که با عبارت «پرداخت اجباری نیست» پاسخ داده نمی‌شود.

اگر واقعاً پرداخت وجه هیچ ارتباطی با انتقال ندارد، کانون‌ها باید با شفافیت کامل اعلام کنند که عدم پرداخت حتی به‌صورت غیرمستقیم نیز هیچ تأثیری بر نتیجه درخواست انتقال نخواهد داشت و معیارهای پذیرش یا رد در خواست صرفاً همان معیارهای قانونی و مصوبات هیئت‌مدیره است.

از سوی دیگر، اگر وجهی دریافت می‌شود، باید دقیقاً مشخص شود این وجه بر چه اساس کدام مقرره، با چه عنوانی، به چه میزان و در ازای چه خدمتی دریافت شده است.

نهاد وکالت بیش از هر نهاد دیگری باید به اصل حاکمیت قانون، شفافیت مالی و منع تبعیض پایبند باشد. نمی‌توان از یک سوزا استفاده کرد تا ه سخن گفت و از سوی دیگر، در برابر پرسش‌های روشن درباره وجوه دریافتی، صرفاً با تغییر عنوان «هزینه» به «کمک»، «هدیه» یا «همیاری» از پاسخ‌گویی ماموی عبور کرد.

موضوع، یک مطالبه ساده و قابل سنجش است:

اگر پول شرط انتقال نیست، نباید حتی شائبه شرط بودن آن نیز وجود داشته باشد.

اکنون انتظار می‌رود کانون‌های وکلای دادگستری، به‌جای پاسخ‌های کلی، مصوبات هیئت‌مدیره، مستند قانونی دریافت وجوه، جدول مبالغ، نحوه ثبت حساب‌های و معیارهای دقیق پذیرش یا رد در خواست‌های انتقال را به‌صورت شفاف منتشر کنند.

شفافیت، هنر به استقلال نیست، شرط اعتبار استقلال است.

مستندات در دفتر روزنامه موجود است. * کارشناس حقوق قضایی